■ در خور دبی ناخدا جاسم من را به عیسی عبدا.. معرفی کرد ناخدای کشتی عازم کنگ تا از آنجابه تانزانیا برود نام لنج ما میهن دوست بود که یک نام ایرانی است.

آوای دریا

۲۲۴۳۷۳۴.....۲۲۴۶۳۸۴

با توجه به رشد شهر نشینی و ساخت و سازهای مجاز و غیر مجاز در بندرعباس ، این شهر با فضاهای تفریحی کمی روبرو است . روزهای تعطیل شاهد انباشت حجم بالای جمعیت از نقاط خاص شهر و ایجاد ترافیک سنگین و بروز نا امنی و تصادف و... هستیم . از مدیران شهری بندرعباس درخواست داریم با توجه به ظرفیتهای بالقوه این شهر در صدد احداث فضاهای تفریحی جدید باشند تا جوابگوی نیاز شهروندان خصوصا جوانان باشند.

مریدی

می خواستم از مسئولان گلایه نمایم در خصوص اعلام اسم فردی که در سازمان بازرگانی تخلفاتی داشته واز کار برکنار شد . طی یک جلسه یکی از مسئولان اعلام کرد بزودی فرد متخلف معرفی می شود اما تاکنون خبری نیست ومردم نمی دانند که این فرد خاطی پرونده اش در حال بررسی است یا مختومه شده است. بهتراست جهت تنویر افکار عمومی اطلاع رسانی شفاف وروشنی داشته باشید.

یک مورد تلفنی

از رسانه ها درخواست داریم در خصوص استعفای شهردار بندرعباس اظهار نظر صریح وشفاف بنمایند. اطلاع رسانی در هاله ای ازابهام مشکلی را برطرف نمی کند واذهان عمومی همچنان سردرگم هستند . بالاخره شهردار استعفا داده است یا خیر؟ تکلیف شهروندان را روشن نمایید.

مرادی

هم اکنون درپایان ساعات اداری بسیاری از دستگاههای خود پرداز با ازدحام شهروندان روبرو می شوند و اتفاقا در همین ساعات نیز این دستگاهها با کمبود پول نقد مواجه می شوند. از مدیران بانک ها تقاضا داریم قبل از پایان ساعت ادارات پول نقد دستگاههای خود پرداز را تامین کند .

محمدی

براساس بخشنامه جدید کلیه ایستگاه های مسافربری برون شهری بندرعباس ، میناب و رودان به بلوار امام حسین (ع) منتقل شده است . اما در این وسط گرچه با این گمان از بار ترافیکی شهر کاسته می شود اما با این وضعیت بسیاری از شهروندان دچار مشکل می شوند و باید مسیری طولانی را طی کنند تا به این ایستگاه ها برسند .

مظفری

می خواستم از مسئولان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان بخواهم که نوبت دهی در کلینیک بیمارستان شریعتی بندرعباس را به صورت تلفنی کنند.

الان مردم بایستی ساعت ٦ صبح بروند و نوبت بگیرند تا اینکه عصر مریضشان را ببرند و به صورت تلفنی هم ویزیت نمی کنند.

چند مورد تلفنی

از کنگ تا آفریقا

... همراه با خبر نگار نشریه نشنال ژئو گرافیک آمریکا ....

■ حدود ۳۲ سال قبل و در سال ۱۹۷۴ یک خبرنگار زن آمریکایی از معتبر ترین نشریه جغرافیایی جهان (نشنال ژنو گرافیک) به بندرکنگ آمدتا علاوه بر بازدید از این شهر قدیمی سفری هم با کشتی بادبانی از کنگ به آفریقا داشته باشد .

حدود ۳۲ سال قبل و در سال ۱۹۷٤ یک خبرنگار زن آمریکایی از معتبر ترین نشریه جغرافیایی جهان (نشنال ژنو گرافیک) به بندرکنگ آمدتا علاوه بر بازدید از این شهر قدیمی سفری هم با کشتی بادبانی از کنگ به آفریقا داشته باشد مشروح گزارش در شماره دسامبر۱۹۷۵ آن نشریه چاپ گردیده بود که توسط دوست ارجمندم آقای احمد کنگی که خود از معتمدین محلی و تجار کنگ بوده و پدرشان ناخدا عیسی کنگی (خلفان) از دریانوردان بزرگ منطقه می باشد و بارها مسیر دریایی کنگ تا آفریقا را طی نموده اند برای اینجانب ارسال گردیده است که جهت اطلاع خوانندگان نشریه خلاصه ای از آن در پی می آید.

عبور از دریای سند باد

بیش از دو هزار سال مهارت عرب در ساختن بادبانهایشان شبیه شمشیر است که با آن آبهای اقیانوس هند را دور زده بودند مسیری که سند باد ملوان. دزدان دریایی، برده گان تجار طلا و عاج فیل هم آن را طی کرده بودند و من به عنوان یک روزنامه نگار قصد داشتم باهمان کشتیهای بادبانی و با وسایلی نه چندان متفاوت با آن دوران همان مسیر را دریانوردی کنم من اول به کنگ می رفتم جایی که می دانستم مردمانش از کویتی ها مهربان تر هستند آیا شما نجیب عبد الکریم رئیس بخش سینمای رادیو و تلویزیون کویت را که تعدادی هم کارمند دارد دیده اید او حتی انگشتانش هم یک زن را ندیده است. در آفریقا جائیکه من کار کرده ام و مسافرت کرده ام دیدن زن به صورت عادی در آمده ترس مردم در اینجا از مجرد بودن است در آنجا زن امریکایی پر مخاطره کمتر مورد توجه قرار می گرفت حالا در این جهان ناآشنا مردان عرب به من خیره شده بودند و به حالت تعجب به من می نگریستند همانطوریکه من در طول اسکله قدم می زدم و قایقها را مورد تحسین قرار می دادم زنان آن مردمان در خانه می ماندند یا زمانیکه می خواستند از خانه بیرون بیایند کاملا پوشیده بودند عزیز یک کشتی کوچک به ظرفیت ۹٤ تن بار بود که بدنه آن از چوب ساج ساخته شده بود که به آن روغن کوسه مالیده تا استحکام بیشتری داشته باشد بر روی عرشه یک اطاقک کوچک وجودداشت و قسمت جلوی کشتی کشیده بود که برای برش آب استفاده می شد و روی آن چوب پرچم قرار داشت مهمترین قسمت آن که روی بدنه اصلی اش رنگ شده است حالت یک راکت مانند بود که با آن چوب جهت کشتی را عوض می کردند کشتی عزیز ۱۳۰ اسب بخار قدرت دارد واطراف آن با ٤ چوب احاطه شده که روی آن قسمتهایی از آیات قرآنی حکاکی شده بود ۱۰ نفر خدمه داشت.

ناخدا جوانترین آنها بود اما همیشه ارباب بود او سخاوتمندبود و درمیان ۹ خدمه به طور عادلانه رفتار می کرد لباس رنگارنگ و خشن به تن داشت ریش نتراشیده دندان شکسته ای که هیچ گاه مسواک ندیده بود و چشمانی چپ از دیگر ویژگی های او و از طرفی یک کمی هم ساده بود ملوانان اوامر او را سریعا اطاعت می کردند.

کشتی عزیز دارای موتور برق برای روشنایی بود در دو طرف کشتی چراغهای قرمز و سبز قرار داشت چراغها محل بارگیری و سمت کشتی را روشن کرده بود تمام دستورات احمد جاسم اجرا شده بود به احمد خلیل دستور داده بود به سرعت ادامه دهد و به علی مهنا گفته شده در کمین باشد و صحبت نکند و به علی حسن گفته بود مواظب باشد و آتش برای قلیان بیاورد روز بعد یک کشتی از بادبانش پیدا شدسریع به طرف جلو حرکت می کرد و صدای آهنگ به گوش می رسید و پرچم برافراشته بود سایه مثلثی شکل عظیمی بوسیله لکه سیاه رنگ ضخیم از روی چاهای نفت سعودی ظاهر بود پس از صبحانه نان برشته که آن را خبز می نامند چای شیرین مهیا شد و نشستیم و استراحت کردیم و با همه آشنا شدم من متوجه شدم که این مردان ایرانی و اهل کنگان می باشند گرچه که عزیز یک کشتی ثبت شده کویتی بود که ۵ سال قبل در قطر ساخته شده بود ناخدا می گفت بچه ها خوب کار کنید و فقط شخصی می تواند آشپزی کند که خلق و خوی خوبی داشته باشدعبدالحسین خواننده کشتی بود چه روز جالبی است من با مردانی که لباس عربی و کلاه داشتند صحبت می کردم ما روی صندوقها، کولرها و یخچالها و در قسمت بالای آن نشسته بودیم و بدنبال موج کوتاه رادیو عربی که موزیک پخش می کرد می گشتیم

سفر به قلب جنگلهای آفریقا پس از یك هفته حرکت از سواحل کنگ هنوز در محدوده خلیج فارس بودیم ما کالایی را حمل می کردیم که بر روی آنها بر چسب ایران وجود داشت باد هم وزیدن گرفت بود

و به نوار ضبط هم گوش می کردیم در حالی که هنوز شعله های نفت را از دور می دیدیم از ساحل خیلی فاصله گرفته بودیم این کشتی هم موتور داشت و هم بادبان سفر ما تا ابوظبی جایگه قرار بود مقداری از بارمان را تخلیه کنیم ٤ روز به طول انجامید و ما به آرامی می رفتیم برای خواب من جای خاصی نبود گاهی اوقات در اتاق سکان چرت میزدم و برخی مواقع هم در روی عرشه و بالای بارها می خوابیدم ماساعت ۷ صبح صبحانه ساعت ۱۲ ناهار و ساعت ۵ هم شام می خوردیم نان و چایی هم در روز وجود داشت درروی سفره خرمای چسبناک و کاسه غذا بود بعد از هر غذا به فاصله کمی چای شیرین و قلیان می آمد که بوی تنباکوی خیای تند داشت و صدای قل قل آب به گوش می رسید ناخدا می تواند ازعهده دو زن برآید. یک روز احمد جاسم که تا حدودی هم چاق بود کاغذهای مالکیت را به من نشان دادو مورد وزن و گنجایش کشتی صحبت کرد او می گفت که ۳ رن دارد و یکی از مردان کشتی هم سرش را به علامت تائید تکان داد و او که ۲۷ سال داشت که می باشد میگفت که تعدادی از ملوانان حتی قادر نی ستند که از عهده یک زن بایند من حالا دو زن دار م یکی در کنگان که نامش مریم اسرت و شکل شما است و یکی هم در قطر جایی که برادرم آنجا تجارت میکند اولی را با نام غیر رسمی مدتی است کحه اورا طلاق داده ام من از او سوال کردم چند تا بچه داری او گفت ۷تا ما دیروقت بعد از ظهر به ابوظبی رسیدیم و یک هفته در آنجا ماندیم اکثر اوقات سعی می کردیم پولی را برای محموله جمع آوری نماییم با اینکه چند روز از سفرمن با این کشتی می گذشت ولی رهنوز آنها همیشه اهتری ن خرما و ماهی را به من می دادند اولین چای داغ و بالش برای استراحت و مکانی جهت خوابیدن در آن شب سرد زمستانی برای من مهیا بود به دبی که رسیدیم من برای قدردانی از آنها بزم را هدیه کردم من در خور دبی بیش از ۲۰۰ کشتی شمردم آن خور شباهت به لنج داشت

از دبی به کنگ به آفریقا

در خور دبی ناخدا جاسم من را به عیسی عبدا.. معرفی کرد ناخدای کشتی عازم کنگ تا از آنجابه تانزانیا برود نام لنج ما میهن دوست بود که یک نام ایرانی است. عیسی یک فرو رفتگی استخوانی در صورتش داشت و به نظر می رسد که باید مرد خشنی باشد او مایل نبود من را به عنوان مسافر ببرد تنها شانس من معرفی نامه ای بود که داشتم عیسی گفت ظاهراً هر چه خدا بخواهد همان می شود او به زبان سواحلی آفریقایی صحبت می کرد گفت: من شما را می برم همه ملوانان کشتی که هر سال به شرق آفریقا سفر می کردند به این زبان صحبت می کردند که زبان اصلی مردمان آن منطقه است آنها همچنین زبان اردو و عربی هم می دانستند ولی زبان اصلی همه آنها فارسی بود من در طول سفر با آنها توانستم زبان سواحیلی خود را تقویت نموده و کمی هم فارسی یاد بگیرم کشتی میهن دوست کمی از عزیز بزرگتر بود در ازای آن بیش از ۱۹۹ قدم بود و دارای ۱۷۰ تن ظرفیت بار بود میهن دوست یک کشتی ۱۷ ساله بود پسرا ن ناخدا هم با او در کشتی بودند پسر اول او محمد نام داشت که نزدیک ٤۰ سال از عمرش می گذشت و ناخدای دوم کشتی بود او دارای مدارک دریا نوردی هم از دولت ایران بود پسر جوان عیسی به نام یوسف ۱۸ سال داشت و چیزهایی در مورد دستور العمل ها یاد گرفته و این دومین سفرش بود حسن احمد بزرگترین ملوان کشتی که در قسمت عقب کشتی کار می کرد دارای دست و پاهای پر قدرت است او از کار خسته نمی شد و مسولیتش کشیدن طناب و قرقره بادبانها بود کشتی مهین دوست ٤ سکاندار داشت که به نوبت وظیفه سکانبانی را بر عهده داشتند جوانترین ملوان کشتی محمد بود که پسری ۱۵ ساله بود و او را پسر کشتی می گفتند که وظیفه اش کمک آشپز بود و سعی می کرد کارش مورد قبول واقع گردد او هرگز نمازش ترک نمی شد با اینکه تجربه نماز نداشت اما نظرش مکه بود بیش از یک بار من صدای خنده ملوانی را که متوجه شده بودند محمد در مسیر اشتباه نماز می خواند را نشنیدم

دریا نوردی ابزار و ادوات زیادی دارد کشتی مهین کشتی محکم و استواری بود و به یک سری وسایل دریانوردی هم مجهز بود یک ساعتی داشت که سر و صدای زیادی می کرد یک ناقوس که سر شب به صدای در می آمد اما زنگی در کشتی نیست زاویه یاب وجود داشت که محمد به آن اشاره کرد که ظهر است اما زمان سنجی وجود نداشت ما ابتدا به بندر کنگ آمدیم کنگ بندری کوچک اما آباد که در اسکله آن تعداد زیادی کشتی بادبانی و موتوری لنگر انداخته بودند و اکثر این کشتی ها از سفر های آفریقایی بر گشته بودند و جاشویان مشغول تمیز کردن خزه های دریای چسبیده به آن بودند مردم کنگ بیشتر اوقات سال در دریاهای دور می باشند ودر شهر فقط پیرمردان کودکان و زنان باقی می مانند زنانی که منتظر بازگشت شوهرانشان از دریا بودند کنگ خانه های بزرگی داشت که حکایت ازآن می کرد که از زندگی خوبی برخوردار هستند گمرک آن هم شلوغ بود و تجار در حال معامله بودند ما در کنگ زیاد نماندیم فقط به اندازه ای که دریانوردان برای خانواده آذوقه گذاشته وبا آنها خداحافظی نمایند.

سفر به قلب جنگلهای آفریقاپس از یک هفته حرکت از سواحل کنگ هنوز در محدوده خلیج فارس بودیم ما کالایی را حمل می کردیم که بر روی آنها بر چسب ایران وجود داشت باد هم وزیدن گرفت بود و باعث شده بود که تمام بادبهانها بر افراشته شده وبر سرعت ما اضافه گردد من مقداری وسایل پزشکی با خود همراه داشتم فقط برای یک نوع گلودرد سوختگی وبریدگی های جزئی کاربرد داشت در کشتی دوماشین هم بود که جزء بار بود و ملوانان برای استراحت به داخل آنها می رفتند ملوانان اکثر اوقات با هم در مورد کشتی ماهیگیری حرف می زدند یا قرآن میخواندند عیسی در کشتی در مورد مسائلی از کشتی حرف زد که به قول خودش محرمانه بود مثل سوخت کشتی زیرا کشتی ما علاوه بر بادبان موتور هم داشت او با حالت نگرانی به من می گفت: من نمی توانم به انبار خالی و دکل دراز کشتی نگاه کنم امیدوارم مقداری قالی در مومباسه به فروش برسانیم اما گمرک کنیا مالیات زیادی روی آنها می گذارد ناخدا می گفت ما در کنیا باید کالاهایی بخریم که جا کم بگیرد اما سود زیادی داشته باشد .

وی می گفت: حراجی های زیادی در این کشور وجود دارد به عدن رسیدیم عدم بندرگاه خوبی دارد امام مردم پولداری ندارد تجارت آزاد در تمام شبه جزیره عربی وجود دارد جیبوتی موقعیت خوبی دارد به خاطر اینکه بندر آزاد تجاری دارد مردم آنجا به خرما نیاز دارند اما کنیا وتانزانیا ازشان دو برابر است زمانیکه بریتانیا از آنجا رفته است تجارت رونقی نداردواواسط ماه ژانویه بود و ما در ساحل سلامه لنگر انداختیم در کنار ساحل چند چراغ چشمک زن به چشم می خورد درآن روز کسی به ما نزدیک نشد در همین روز محمد به ساحل رفت وخبر آورد که عید قربان است و به مدت ٤ روز تعطیلی می باشد وکسی کار نمی کند بنابراین ما منتظر شدیم ودر آن ٤ روز ماهیگیری می کردیم ورق بازی می کردیم ورادیو گوش می دادیم روزهای سردی بود وما بالباس گرم پوشیده بودیم در روز پنجم تعدادی قایق به طرف ما آمدند همانطور که به ما نزدیک می شدند من متوجه شدم آن مردان لباس روشن وعمامه داشتند در حالیکه پاروزنا ن می آمدند ناخدا به آنها خوش آمد گویی نمود و ما ازآنها با خرما وحلوا پذیرایی کردیم تخلیه کردن بار بوسیله قایق منظره جالبی بود ومقدار زیادی از مسیر را روی دوش حمالان تاساحل حمل می کردند مدت اقامتمان در سلاله ٤ هفته بود ومن در این مدت مهمان یک انجمن انگلیسی بودم که خیلی خوش گذشت وآنها ۵ قالی از عیسی خریدند با کشتی های دیگری در سلاله آشنا شده وبه آنها آب دادیم وعیسی دراین مدت به کارهای روزمره نجاری می پرداخت در یک روز آفتابی ما از سلاله لنگر کشیده وبه سمت آفریقا بادبان بر افراشتیم رسم ورسوماتی از گذشته‌خدمه های کشتی یک قایق مثلثی در قسمت بالا بسته بودند یوسف وحسن علی در طول مسیر با سرعت حرکت می کردند وآماده بستن طناب بادبان بودند محمد بر بالای دکل مشغول بستن بادبان بود حسین پشت سکان بود ودستور از عیسی می گرفت بنابراین همه آنها مشغول بودند مردان آواز می خواند وعرق می ریختند دکل بالا بود و کشتی در میان امواج من یک حرکت کلاسیکی از سنن قدیم می دیدم

ادامه دارد ...

■ مترجم :محمد مرادی نسب

تلفن های ضروری

شرکت آب منطقه ای استان	۳۳۵٤۱۱۵
شرکت آب و فاضلاب استان	۳۳۵۰۵۸٦
شرکت آب وفاضلاب روستا یی	۳۳۳۸۰۰۲-۳
آتش نشانی	۱۲۵
پلیس	۱۱۰
دفتر نظارت همگانی(نیروی انتظامی)	۱۹۷
ستاد خبری	۱۱۳
اورژانس	۱۱۵
اطلاعا ت قطارهای مسافری	۱۳۹
خرابی تلفن	۱۱۷
اطلاعات تلفن	۱۱۸
اتفاقات برق	۱۲۱
اتفاقات آب غرب	۵۵٦۱۰۰۱-۲
سا زما ن آموزش و پرورش	۳۳۳۹۰۰۱-۵
آموزش و پرورش ناحیه ۲	۲۲٤۷۷٤۷-۸
آموزش وپرورش ناحیه(۱)	۲۲۲۳۵۳۷
شرکت برق منطقه ای	۳۳۳۱۷۰۰-۵
شرکت مخابرات هرمزگان	٦٦٦۹۵٤٤
اداره کل تامین اجتماعی استان	۲۲٤۲٤۹۵
سازمان انتقا ل خون	۲۲۲۸۰۳۲
اداره کل نوسازی مدارس	۳۳۳٤۳۸۱-۲
اداره کل فنی وحرفه ای استان	٦٦٦۸۹۸۱-٤
صدا وسیما ی خلیج فارس	۳۳۳۰۰۲۰ -۲۳
اطلاعات پرواز	٦٦٦۵۸۲۸
شرکت توزیع نیروی برق	۵۵٦٤۱۷۰-۳
سازمان جهاد کشاورزی	٦٦٦۲۵٤۱-٦
اداره کل استاندارد	۳۳۳۸۰۵۳
شهرداری بندرعباس	۲۲۲۳۰۲۱-۳
مرکز مخابرات امام خمینی	۵۵٦۲۲۲۳
اداره کل راه وترابری استان	۳۳۳۲۵۹۱-۳
دانشگاه هرمزگان	۳۳٤۰۱۲٤
شورای اسلامی شهر بندرعباس	۲۲٤٦۳۹۰
سازمان مسکن وشهرسازی	۳۳۳۱۹۵۵
تا کسیرانی بندرعباس	٦٦۷۲۰۵۱
خدمات بار فرودگاه بندرعباس	٦٦٦۵۸۰۵
بیمارستان خلیج فارس	٦٦۷۰۲۸۵-۹
بیمارستان شهید محمدی	۳۳٤۷۰۰۱-۸
بیمارستان امام رضا	۳۳۳٦۰۰۳-۵
بیمارستان شریعتی	۳۳۳۲٤۲٤
تاکسی تلفنی هرمزگان	۲۲۲۰۱۱۰
تاکسی تلفنی توران سفر	۳۳٤۵۰۵۰
تاکسی تلفنی بندر تاز	۳۳۳۵۳۲۲
تاکسی تلفنی امید	۳۳٤۸۰٤۰
تاکسی تلفنی عدالت	۳۳٤۸۸۱۰
تاکسی تلفنی همراه	۵۵٦٤۸٤۲
تاکسی تلفنی نادر گشت بندر	۳۳٤۳۱۹۷
تاکسی تلفنی آریا	۷٦٦۰٤٤۰

فرم اشتراک دریا

علاقمندان می توانند با ارائه این فرم به دفتر روزنامه از اشتراك رایگان بهره مند شوند

در صورت گرفتن اشتراک یکساله ، شش ماه رایگان و اشتراک شش ماهه ، سه ماه رایگان می باشد

آدرس : بندرعباس - میدان ابوذر - جنب داروخانه هلال احمر - پاساژ کامپیوتری هرمز - طبقه چهارم - روزنامه دریا

تلفن: ۲۲٤٦۳۸٤-۲۲٤۳۷۳٤-فاکس: ۲۲٤٦٦۰۰

نام ونام خانوادگی :

آدرس : تلفن :

صندوق پستی / کد پستی امضاء

خواهان اشتراك یکساله ☐ شش ماهه ☐ سه ماهه ☐ به مبلغ ریال می باشم

نمایشگاه های از غدیر تا عاشورا

عرضه : انواع وسایل عزاداری وتعزیه خوانی

پلاکارد - پرچم - نوار کاست - mp۳ - vcd - Cd عزاداری و مداحی و تعزیه خوانی - طبل - سنج - شیپور - وسایل تعزیه خوانی شمشیر - علم - لباس - خنجر - کلاه خود و ...

نسخه های تعزیه خوانی

انواع نوارو cd عزاداری و تعزیه خوانی استان هرمزگان

ویژه هیئتها ؛ حسینیه ها و دستجات عزاداری

آدرس : بندرعباس - پارك شهیددباغیان جنب مسجد پیامبر اعظم(ص)

تلفن تماس: ۳۳۵۳۰٤۱-۲۲٤۰۱۳۰-۰۹۱۷۷٦۰٤۰۳۲

مجموعه فرهنگی مذهبی خامس آل عبا

آلودگی دریا و از بین بردن زیستگاهها؛ فرصت و امکان تولیدمثل آبزیان را در دریا از بین می برد

ماهیگیران عزیز:

مرکز امور صیادی اداره کل شیلات هرمزگان